

## فصل دوم: ادله اثبات تخلف در هیات ها

هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند در رسیدگی به اتهامات و پرونده های تخلفاتی متهم با بهره مندی از ادله اثبات دعوی و ابزارهای آن گام های مؤثر بردارند تا آرای اصداری مستند و مدلل بوده و از استحکام لازم برخوردار باشد. در هر حال آرای هیاتها باید بار اثباتی داشته باشد و آن میسر نخواهد بود مگر با استدلال و بیان دلیل که همانا بکارگیری ادله اثبات دعوا و ابزارهای آن می باشد. که به شرح ذیل مورد بحث و بررسی قرار می گیرد.

ادله اثبات دعوی:

الف) ادله: جمع مکسر دلیل و جمع دیگر دلیل یا دلالت، دلائل است. معنای لغوی دلیل، راهنما است. دلیل در عرف به چیزی گفته می شود که امر مجهولی را ثابت کند. دلیل در اصطلاح حقوقی عبارت است از عامل اثبات حقیقت امری که مورد ادعا یکی از اصحاب دعوا و انکار دیگری باشد. ماده ۱۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی دلیل را چنین تعریف کرده است: «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوا برای اثبات یا دفاع از دعوا به آن استناد می نمایند».

ب) اثبات: به معنی ثابت گردانیدن، یا بر جا کردن و وجود امری را ثابت کردن می باشد. اثبات به دنبال ثبوت است. ثبوت تحقق امر در مرحله داخلی و واقعی است و اثبات تحقق امر در مرحله استدلال می باشد. پس مرحله ثبوت حق مرحله وجود واقعی حق است. در مرحله اثبات مرحله نمایاندن و محرز ساختن آن در دادرسی و زمان رسیدگی است. بنا براین دارنده واقعی حق، اگر حقیقت مورد انکار قرار گیرد باید با دلیل آن را اثبات کند و اگر دلیل نداشته باشد مانند کسی است که اصلاً حق ندارد، در این صورت با اینکه در مرحله ثبوت صاحب حق بوده ولی در مرحله اثبات دارنده حق شناخته نخواهد شد.

ج) دعوی: در قانون به صراحت تعریف دقیق و شخصی از دعوا نشده است بعضی آن را عمل دانسته اند که برای تثبیت حقی صورت می گیرد. البته این تعریف جامع نیست. تعاریف دیگری از دعوا مطرح شده است از جمله «دعوی عبارت از اظهار به حقی، به نفع خود و به ضرر دیگری، یا خواستن چیزی به ضرر دیگری و به خلاف تمایل او یا اظهاری است بر خلاف اصل که محتاج ارائه دلیل است» البته بهتر است دعوی را خواستن چیزی با ادعای داشتن حق به ضرر دیگری و با وجود مقاومت او تعریف کنیم پس با این تعریف شرایط دعوی عبارت است از:

۱- وجود حق به موقع یا حسب ادعا

۲- انکار حق یا تجاوز به آن

با این اوصاف ماده ۱۹۴ قانون آئین دادرسی مدنی بیان داشته «دلیل عبارت از امری است که اصحاب دعوی برای اثبات دعوی و یا دفاع به آن استناد می نماید» آنچه که از این تعریف مشخص است، دلیل برای اثبات دعوی، یعنی به هنگام اختلاف و نزاع به کار می رود و موضوع مورد دعوی را به نفع این یا آن به اثبات می رساند.

تکلیف مدعی به ارائه دلیل

هر دعوی دو طرف دارد مدعی و مدعی علیه، حال باید دید که کدام یک مکلف به ارائه دلیل می باشد. از آنجائیکه دادگاه از تسهیل دلیل ممنوع است پس یکی از اصحاب دعوی وظیفه ابراز دلیل را بر عهده دارد. ماده ۲ آئین دادرسی مدنی تبیین کرده است: «هیچ دادگاهی نمی تواند به دعوایی رسیدگی کند مگر این که شخص یا اشخاص ذینفع، رسیدگی به دعوی را مطابق مقررات قانون درخواست نموده باشند» و طبق ماده ۱۲۵۷ قانون مدنی: «هر کس مدعی حقی باشد باید آن را ثابت کند و مدعی علیه هر گاه در مقام دفاع، امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر به عهده اوست» این ماده متکی به قاعده حقوقی «البینه علی المدعی و الیمین علی»

من انکر « است با توجه به این قاعده با ارائه دلیل به دوش مدعی می باشد و خواننده در این مورد تکلیفی ندارد. البته مدعی علیه در مقابل دعوی مطرح شده دو راه دارد:

الف ( آنکه موضوع را انکار کند و بگوید که فلان کار را انجام داده ام و تعهدی ندارم. در این صورت لازم نیست دلیلی ابراز نماید زیرا نافی را نفی کافی است.

ب ( اینکه مدعی علیه در مقام دفاع تنها به نفی مورد ادعا نپردازد. بلکه خود مدعی امری شود. مثلاً برای حقانیت و اثبات موضوع شهود معرفی نماید یا سند رسید را ارائه نماید.

تقسیم ادله اثبات دعوی:

۱) ادله ای که سابقه شرعی و فقهی دارند و ادله ای که جنبه عرفی آن بیشتر است. از این جهت ممکن است سوگند، شهادت، اقرار را در دسته اول و اسناد ( رسمی و غیر رسمی ) امارات، تحقیق محلی، معاینه محلی و کارشناسی را در دسته دوم قرار بدهیم.

۲) از جهت منشاء نیز قابل تقسیم به چهار دسته اند:

الف ( ادله ای که اصحاب دعوی منشاء آن هستند و عبارتند از: اقرار اسناد، سوگند

ب ( ادله ای که منشاء آن اشخاص ثالث اند و عبارتند از: شهادت ( اعم از کتبی و یا شفاهی ) یا تحقیقات محلی، اظهار نظر کارشناسی

ج ( ادله ای که منشاء آن درک مستقیم دادرسی است و عبارتند از: معاینه محل و امارات قضایی

د ( ادله ای که منشاء آن فرض قانون است و عبارت است از امارات قانونی

توضیح: پنج قسم از دلایل را ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی نامبرده و سه مورد کارشناسی، تحقیق و معاینه محلی را آئین دادرسی اضافه یاد کرده است.

## اقرار

تعریف اقرار:

به استناد ماده ۱۲۵۹ قانون مدنی « اقرار عبارت از اخبار به حقی است برای غیر بر ضرر خود » مطابق این تعریف اقرار اخبار است، در رابطه با حق است به نفع غیر است و به زیان اقرار کننده.

الف ( اخبار: قانون مدنی می گوید اقرار اخبار است. اخبار خبر دادن و آگاه ساختن از یک امر موجود است. اقرار چیزی را به وجود نمی آورد یعنی ایجاد کننده حقی نیست، انشاء نیست. بنا براین اولاً مثل هر چیزی ممکن است در عالم واقع راست یا دروغ باشد. ثانیاً بین تاریخ اقرار و حق موضوع اقرار فاصله زمانی وجود دارد.

ب) ارتباط با حق: اقرار باید مرتبط با حق باشد. حق امتیازی که شخص دارد و دیگر افراد باید به آن احترام بگذارند و آثاری بر آن مترتب است.

ج) نفع غیر: در اقرار نفع غیر مطرح است. اگر شخص اظهاری بکند که خبر باشد و در این خبر حقی اعلام شود اگر این حق به نفع خودش تلقی گردد اقرار نیست بلکه ادعا است، در اقرار حق برای غیر باید اعلام شود.

د) زیان خود: در اقرار زیان مقرّ مطرح است. اگر شخص اظهاری بکند که در عین خبر بودن و متضمن حق بودن و نفع دیگری را در برداشتن به زیان خودش نباشد اقرار نیست و شهادت است. در شهادت زیان مورد خبر متوجه شخص دیگری است که علیه او شهادت داده بود.

ماده ۲۴ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری و تبصره های آن در باره قاطع بودن اقرار در دعوی چنین بیان داشته است: «هر گاه کارمندی اقرار به وقوع تخلف یا تخلفات مقرر در قانون نماید، دلیل دیگری برای ثبوت آن لازم نیست. اقرار موضوع این ماده اعم از شفاهی و کتبی است و اقرار شفاهی است وقتی که در جریان رسیدگی در جلسه هیات به عمل آید و کتبی است در صورتی که در یکی از اسناد یا دفاعیه کارمند به هیات اظهار شده باشد. به هر ترتیب اقرار اعم از شفاهی یا کتبی باید به امضاء اقرار کننده رسیده باشد.»

تبصره ۱) اقرار باید صریح و روشن باشد

تبصره ۲) اجبار و اکراه به اقرار ممنوع و مرتکبین به عنوان متهم به هیات معرفی خواهد شد.

## ارکان اقرار

اقرار دارای سه رکن اصلی است:

کسی که به زیان خود و به نفع دیگری اقرار می کند «مقرّ» کسی که به نفع او اقرار می شود «مقرّله» و حقی که موضوع اقرار قرار می گیرد «مقرّ به» گفته می شود. البته هر یک از این ارکان باید واجد شرایط خاصی باشد تا اقرار درست و موثر باشد.

- شرایط اقرار کننده یا مقرّ: اقرار کننده باید بالغ، عاقل، قاصد و مختار باشد.

- مقرّله و شرایط آن: کسی که به نفع او اقرار می شود مقرّله است و باید دارای شرایط ذیل باشد:

(۱) داشتن حق تملک یا اهلیت تمتع

(۲) معلوم بودن و لو به نحو اجمال

مقرّ به و شرایط آن:

- رکن سوم اقرار مقرّ به است. منظور از مقرّ به موضوع اقرار است. هر چیزی که بتواند مقرّ به واقع شود. بنا براین مقرّ به ممکن است مال اعم از منقول و غیر منقول، دین، منفعت، خسارت، خویشاوندی، حقوق ارتفافی، حق انتفاع، حق شفعه و... باشد و شرایط آن عبارتند از:

(۱) امکان عقلی و عادی (۲) عدم منع قانونی (۳) معین و معلوم بودن

#### اسناد

دومین دلیلی که قانون ماده در ماده ۱۲۵۸ بیان کرده است « اسناد کتبی » می باشد. در حال حاضر نیز رایج ترین وسیله ارتباطات حقوقی در تمام جوامع سند می باشد.

- تعریف سند: ماده ۱۲۸۴ قانون مدنی سند را چنین تعریف کرده است: « سند عبارت است از هر نوشته ای که در مقام دعوی یا دفاع قابل استناد باشد ». این تعریف سند را با دو مشخصه می توان شناخت، (۱) نوشته بودن (۲) قابلیت اسناد

(۱) سند نوشته است، نوشته تنوع بسیار دارد. خط و علاماتی که چند نفر در روابط خود معمول کرده اند و بر صفحه ای قرار داده اند نوشته است و...

(۲) سند قابلیت استناد داشته باشد. معمولاً فرم و شکل آن مطرح نیست. معمولاً در اعمال حقوقی سند تنظیم می گردد. در وقایع حقوقی انتظار تنظیم سند نیست مگر به طور استثناء آن هم پس از واقعه مثل ولادت که شناسنامه تنظیم می شود یا فوت که سند فوت تنظیم و شناسنامه ابطال می شود.

#### تقسیم سند

تقسیم اسناد به رسمی و عادی:

اسناد را از جهات مختلف می توان تقسیم کرد. اولین و مهم ترین تقسیم را قانون مدنی در دو قالب اسناد رسمی و اسناد عادی معرفی کرده است ( ماده ۱۲۸۶ قانون مدنی ) اسنادی که در اداره ثبت اسناد املاک با دفاتر اسناد رسمی یا نزد سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت آنها و بر طبق مقررات قانونی تنظیم شده باشد رسمی است ( ۱۲۸۷ ) و اسناد غیر این موارد اسناد عادی می باشند. ( ماده ۱۲۸۹ ).

اسناد رسمی به سه دسته تقسیم می شود:

(۱) اسناد تنظیمی در اداره ثبت اسناد و املاک

(۲) اسناد تنظیمی در دفاتر اسناد رسمی

۳) اسناد تنظیمی توسط سایر مأمورین رسمی در حدود صلاحیت قانونی

بنابراین غیر از مواردی که اسناد رسمی شناخته می شوند بقیه اسناد عادی هستند از جمله:

۱) اسنادی که توسط مأمور رسمی تنظیم شده و به امضاء و یا مهر طرف رسیده باشد اما مأمور صلاحیت تنظیم آن سند را نداشته یا با داشتن صلاحیت در تنظیم سند ترتیبات قانونی را رعایت نکرده باشد (قانون مدنی ۱۲۹۳).

۲) نوشته هایی که مردم بدون دخالت مأموران رسمی و در غیر امور بازرگانی در جهت تنظیم روابط مالی و غیر مالی خود تهیه می نمایند مثل اسناد عادی طلب و یا رسید پرداخت دین.

۳) دفاتر بازرگانی و اسناد تجارتي از قبیل سفته و برات و چک که رسید بازرگانی و بعضی موارد وسیله غیر بازرگانان وفق قانون تجارت تنظیم می شود.

۴) اسناد شخصی مثل نامه ها، یادداشت ها، دفاتر خصوصی و نظایر آن.

۵) اسناد عادی که در تنظیم آن طبق قانون باید تشریفات خاصی رعایت گردد. مثل وصیت نامه خود نوشت یا وصیت نامه سری.

تفاوت سند رسمی با سند عادی

از جهات مختلف سند رسمی با دعاوی تفاوت دارد این جهات عبارتند از:

۱) سند رسمی، قدرت اجرایی دارد در حالی که اصل در اسناد عادی عدم قدرت اجرایی است.

۲) تاریخ سند رسمی، هم از لحاظ اصحاب دعوا و هم از نظر اشخاص ثالث معتبر است، در حالی که تاریخ سند عادی برای اشخاص ثالث موثر نیست.

۳) در مورد سند رسمی، فقط ادعای جعل قابل طرح است. در حالی که سند عادی هم در معرض ادعای جعل بوده و هم قابل تکذیب (تردید و انکار) است.

۴) سند رسمی، تابع تشریفات است که از قبل قانون معین کرده، در حالی که اصل در سند عادی عدم تشریفات است.

۵) در سند رسمی، مأمور رسمی دولت در تنظیم سند دخالت دارد، در حالی که سند عادی را افراد به هر نحو بخواهند تنظیم می نمایند.

۶) سند رسمی، در صورت مفقود شدن، تهیه رونوشت از آن به سادگی ممکن است ولی با گم شدن سند عادی نمی شود از رونوشت آن استفاده کامل کرد.

## شهادت

تعریف شهادت:

شهادت عبارت است از اینکه شخص به نفع یکی از اصحاب دعوی و به ضرر دیگری اعلام اطلاع و خبر از وقوع امری نماید. شهادت یکی از دلایل دعاوی از جزایی و حقوقی با سابقه بسیار طولانی است.

شاهد دارای شرایطی است که در ماده ۱۳۱۳ قانون مدنی بیان شده است که عبارتند از: بلوغ، عقل، عدالت، ایمان و طهارت مولد

چگونگی اداء شهادت:

همیشه اداء شهادت با تشریفات توأم بوده است تا شهادت دهنده تحت تأثیر موقعیت شهادت حقیقت را بیان نماید. آئین دادرسی مدنی تشریفات شهادت را بدین شرح معین کرده است:

اولاً) دادگاه گواهی هر گواه را بدون حضور گواهانی که گواهی نداده اند، استماع می کند، منظور این است که گواه فقط متکی به حافظه خود باشد و اظهارات گواهان قبلی در بیان وی موثر نشود. ممکن است بعداً از گواهان مجتمعاً نیز تحقیق به عمل آید.

ثانیاً) قبل از اداء گواهی خصوصیات فردی و شغلی گواه سوال می شود. هر گاه گواه یا یکی از اصحاب دعوا قرابت نسبی یا سببی و یا رابطه خادم و مخدومی داشته باشد اعلام می نماید.

ثالثاً) دادرسی دادگاه قبل از اداء گواهی مجازاتی که برای گواهی کاذب مقرر است به وی تذکر می دهد و گواه سوگند می خورد که تمام حقیقت را بگوید و غیر از حقیقت چیزی نگوید.

رابعاً) اصحاب دعوی می توانند از شاهد سوال بکنند ولی هیچ یک از آنان نمی توانند و حق ندارند اظهارات گواه را قطع کنند پس از پایان شهادت هم ممکن است اصحاب دعوی سوالاتی داشته باشند که از طریق دادگاه صورت می گیرد نه مستقیم.

خامساً) بیانات گواه باید عیناً در صورتمجلس قید و به امضاء او برسد و اگر نخواهد امضاء کند مراتب در صورتمجلس قید می شود.

## ابزار ادله تخلفات

گروه های تحقیق به استناد ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات اداری تشکیل می شوند در این زمینه قانونگذار به صراحت چنین بیان کرده است: « به منظور تسریع در جمع آوری دلایل و تهیه و تکمیل اطلاعات و مدارک هیاتها می توانند از یک یا چند گروه تحقیق استفاده نمایند. شرح وظایف، تعداد اعضاء و شرایط عضویت در گروه های تحقیق، در آئین نامه اجرائی این قانون مشخص می شود ». بنا بر این فسفه تشکیل گروه های مزبور استفاده از آنها بعنوان ابزار جمع آوری اسناد ومدارک و کسب اطلاعات لازم در خصوص سنجش صحت و سقم موضوعی است که هیاتها در مورد آن مردد و مشکوک هستند و نمی توانند به یقین برسند.

## تحقیقات

همانطوریکه قبلاً نیز اشاره گردید علاوه بر پنج مورد ادله اثبات دعوی ابزارهایی نیز در فرآیند رسیدگی و دادرسی کاربرد دارند که نوعاً منشاء آن اشخاص ثالث بوده و در تصمیم گیری و آراء هیاتها مستند قرار می گیرند. ابزارهای ادله اثبات دعوی عبارتند از: کارشناسی، تحقیق محلی و معاینه محلی.

استفاده از گروه تحقیق و توجه به تحقیقات آنها

در این زمینه ماده ۵ قانون بیان داشته است « بمنظور تسریع در جمع آوری دلایل و تهیه و تکمیل اطلاعات و مدارک هیأت ها می توانند از یک یا چند گروه تحقیق استفاده نمایند. شرح وظایف، تعداد اعضا و شرایط عضویت در گروههای تحقیق، در آیین نامه اجرایی این قانون مشخص می شود. »

تبصره: گروه های تحقیق هر یک از هیاتهای بدوی و تجدیدنظر مستقل از یکدیگر بوده و یک گروه تحقیق نمی تواند در تحقیقات مربوط به مراحل بدوی و تجدیدنظر یک پرونده اقدام به تحقیق نماید.

همچنین ماده ۱۲ و ۱۴ آئین نامه اجرائی و ماده ۲۹ دستورالعمل رسیدگی به تخلفات اداری نیز در این راستا سخن گفته است.

### اصول کلی حاکم بر تحقیقات

تحقیق در هیاتها به مجموعه اقداماتی که موجب تکمیل پرونده و جلوگیری از امحاء دلایل و مدارک تخلف و تبانی متهم با شهود و مطلعین می شود اطلاق می گردد.

تحقیق باید دارای خصیصه های ذیل باشد:

۱ - کتبی بودن تحقیقات

۲ - سری و غیرعلنی بودن تحقیقات

۳ - غیر ترافیعی بودن تحقیقات

۴ - سریع بودن تحقیقات

## کارشناسی

یکی از ابزارهای ادله اثبات دعوی بحث کارشناسی می باشد. ماده ۱۴ قانون رسیدگی به تخلفات اداری در این زمینه بیان داشته: « هر گاه رسیدگی به اتهام کارمند به تشخیص هیأت‌های بدوی و تجدید نظر مستلزم استفاده از نظر کارشناسی باشد، مورد به کارشناسی ارجاع می‌شود.»

استفاده از نظریه کارشناس

ماده ۳۰ آئین نامه اجرائی: « هرگاه رسیدگی به اتهام کارمند به تشخیص هیأت رسیدگی کننده مستلزم استفاده از نظر کارشناسی باشد، مورد به کارشناسی ارجاع می‌شود و هیأت در این قبیل موارد نظر کارشناسی را مورد توجه و مد نظر برای صدور رأی قرار خواهد داد.»

تبصره ۱: هیأت باید کارشناس را از بین کسانی که دارای صلاحیت در رشته مربوط به موضوع است انتخاب نماید.

تبصره ۲: کارشناس موظف است در مدت مقرر که هیأت تعیین می‌کند نظر خود را به طور کتبی به هیأت تقدیم دارد مگر اینکه موضوع از اموری باشد که اظهار نظر در آن مدت میسر نباشد.

در این صورت به تقاضای کارشناس، هیأت مهلت مناسب دیگری را تعیین و به کارشناس اعلام می‌کند.

در هر حال اظهار نظر کارشناس باید صریح باشد.

## معاینه محلی

هیاتهای رسیدگی به تخلفات اداری در فرایند رسیدگی به پرونده های اتهامی هرگاه به این نتیجه رسیدند که رأساً باید در محل وقوع تخلف حضور یافته و مباشرتاً اقدام به تحقیق و یا معاینه محلی نمایند، می‌توانند به صورت فردی و یا به اتفاق سایر اعضاء هیات ( جمعی ) نسبت به انجام تحقیقات و معاینه محلی اقدام لازم را بعمل آورده و نتیجه را کتباً در پرونده اتهامی ضمیمه کرده و مستند تصمیم و رأی هیات قرار دهند.

یادآوری:

از جمله دلایل مصرح در ماده ۱۲۵۸ قانون مدنی که علاوه بر اقرار، سند و شهادت مطرح گردیده است امارات و سوگند می باشد که با توجه به عدم کاربرد آنها در فرآیند رسیدگی به تخلفات اداری از بیان آنها صرف نظر کرده و صرفاً به سه مقوله اقرار و سند و شهادت که در بررسی پرونده های تخلفاتی نقش اساسی داشته و قابلیت استناد دارند به صورت اجمال و اختصار اشاره گردیده است.